

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۱۷ دسمبر ۲۰۱۸

زبان مادری مهم و حیاتی است!

بخش چهارم و پایانی

ایدئولوژی پان ایرانیسم و یا پان فارسیسم، ربطی به خلق فارس و زبان فارسی ندارد و ایدئولوژی رسمی حکومت‌های پهلوی بوده است که حکومت اسلامی آن را با پان اسلامیم در آمیخت. شاخه ایرانی پان آریانیسم هم هیتلریسم است. اولین کسی که این ایدئولوژی را با هدف تحت سلطه درآوردن مردم غیر فارس ایران و غارت منابع و ثروت‌های ارزشمند سراسر ایران را رشد داد «سر جان ملکم» بود. او استاد اعظم فراماسونری انگلیسی و عضو ارشد کمپانی هند شرقی بریتانیا بود که تاریخ خود را به اسم The Persian History نوشت و تاریخ جعلی او الگوئی برای میرزاهای فراماسون درباری با ادعای تاریخ‌نویسی و هویت‌تراشی، ظاهراً به نفع مردم فارس شد بدون این که این بخش مردم ایران، در چنین سیاست نژادپرستی دخالتی داشته باشند. حاکمیت پهلوی با کمک و همفکری غرب، جامعه ایران را به جولانگاه دول قدرتمند تبدیل کرد که هنوز هم این سیاست با وحشی‌گری تمام توسط حکومت اسلامی ادامه دارد.

حاکمیت رضاشاه پهلوی با تأکید بر محوریت نژاد آریائی و زبان فارسی و نفی و انکار کامل وجود خلق‌های دیگر در ایران، توسط عناصر نژادپرستی چون محمود افشار و تأسیس سازمان‌هایی چون «سازمان پرورش افکار» و استفاده از تمام امکانات حکومتی از سانسور و سرکوب گرفته تا مطبوعات، کتاب‌ها، رادیو، آموزش و پرورش و کتاب‌های درسی، توانست از مردم عادی تا برخی روشنفکران آن زمان را به ساختار ایدئولوژیکی نژادپرستانه آلوده کند. تحت تأثیر چنین تبلیغات و در فضائی به شدت دیکتاتوری و توأم با خفقان پولیسی-امنیتی، در میان روشنفکران، شاعران، نویسندگان، روزنامه‌نگاران و معلمان استان‌های مختلف ایران، نسلی پرورش یافت که بدون توجه به واقعیت‌های موجود در ایران و وجود ملل گوناگون با زبان‌های محلی متعدد در ایران، به بهانه «استقلال، وحدت ملی و تمامیت ارضی و امنیت ملی»، طرفدار سلطه پان فارسیسم شدند. البته در مقابل آنان نیز کم نبودند روشنفکران و معلمانی که در برابر این سیاست‌های نژادپرستی حکومت‌های پهلوی و حکومت اسلامی ایستادند و بهای آن را نیز آگاهانه پرداختند و هنوز هم می‌پردازند.

تحصیل به زبان مادری، حق مسلم هر انسان و جوامعی است که به‌ویژه در آن جامعه، زبان‌های مختلفی وجود دارد. در این میان ممنوعیت زبان مادری به‌خصوص برای کودکان لطامات زیاد روحی و روانی به دنبال دارد و مانع شکوفائی خلاقیت‌های آن‌ها می‌شود.

از سوئی کودکان آسیب‌پذیرترین اقشار هر جامعه‌ای محسوب می‌شوند. شرایط زیستی شایسته‌ای که برای کودک در نظر گرفته می‌شود امکان رشد و شکوفایی او را فراهم می‌کند. فراهم کردن زندگی شایسته برای کودکان، از مهم‌ترین وظایف حکومت و کل جامعه است. ضروری است که جامعه طوری تغذیه، سلامت، آسایش، تربیت و پرورش کودکان را تأمین کند که او را از تهدیدات اخلاقی، جنسی و فیزیکی حفاظت کند و رشد سالم او را تضمین نماید.

ممنوعیت زبان مادری سبب شده است که سطح آموزش و پرورش و تحصیل در مناطقی چون آذربایجان، کردستان، ترکمن صحرا، بلوچستان، خوزستان و... افت شدیدی پیدا کند. چون که سیاست نژادپرستی و تبعیض بر سیستم آموزشی ایران حاکم است. ممنوعیت و تحقیر زبان مادری همچنین سبب شده است که میلیون‌ها کودک و جوان از تحصیل محروم بمانند.

خبرگزاری حکومتی «تسنیم»، در گزارشی مستند تحت عنوان «سیستان و بلوچستان رکورددار بازماندگان از تحصیل کشور» می‌نویسد تعداد رو به افزون بازماندگان از تحصیل به‌دلیل کمبودهای عمقی، تاریخی و جدی شاخص‌های زندگی در استانی مثل سیستان و بلوچستان عواقب سختی دارد؛ عواقبی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و گاهی امنیتی. گزارش می‌افزاید حدود ۵۰ درصد کل کودکان بازمانده از تحصیل در سطح کشور متعلق به سیستان و بلوچستان و عمدتاً منطقه بلوچستان هستند. علیم یارمحمدی نماینده مردم زاهدان در مجلس شورای اسلامی می‌گوید: تمام آمار کودکان بازمانده از تحصیل مربوط به بخش بلوچستان بوده (از جنوب زاهدان تا چابهار) و در منطقه سیستان چنین آماری وجود ندارد. ۱۱

افزایش ۴۲ درصدی بودجه سپاه پاسداران در بودجه سال ۱۳۹۷، در حالی صورت گرفت که بودجه آموزشی سیستان و بلوچستان کاهش پیدا کرد. نماینده مردم سراوان و عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس مشکلات آموزشی استان سیستان و بلوچستان را مرتبط به‌حوزه‌های سخت‌افزاری یا عمرانی دانسته و گفته است از همین رو در بودجه ۹۷ آموزش و پرورش نه تنها اعتبار بالاتری برای بهبود وضعیت آموزشی استان سیستان و بلوچستان تخصیص نداده‌اند، بلکه همان اعتبار را نیز کاهش داده‌اند. این در حالی است که بر طبق گفته معاون مدیریت و پشتیبانی وزارت آموزش و پرورش اعتبارات استانی آموزش و پرورش در سال ۹۷ در کل کشور نسبت به مصوب سال ۹۶، ده درصد رشد داشته است.

حال سؤال اساسی این‌جاست چرا با وجود افزایش بودجه نظامی کشور و به‌خصوص افزایش ۴۲ درصدی بودجه سپاه پاسداران در سال ۹۷، با وجود این‌که بلوچستان محروم‌ترین استان کشور از نظر بسیاری از شاخص‌های توسعه انسانی و اقتصادی و به‌ویژه آموزش و بازماندگی بیش از ۱۲۰ هزار کودک از تحصیل در بلوچستان، بودجه تحصیلی در منطقه بلوچستان (و نه سیستان که عمدتاً شیعه مذهب هستند) عامدانه کاهش می‌یابد. به‌گزارش خبرگزاری مجلس شورای اسلامی، نماینده مردم خاش از فقدان «عدالت آموزشی» و پسرقت روند تحصیل در بلوچستان در دوران حکومت اسلامی ابراز نگرانی کرده است.

محمد نعیم امینی فرد، نماینده مردم ایرانشهر در مجلس شورای اسلامی و رئیس مجمع نمایندگان استان نسبت به وضعیت فضاهای آموزشی سیستان و بلوچستان می‌گوید: ده‌ها بار به وزرای مختلف آموزش و پرورش تذکر دادیم، اما سازمان برنامه و بودجه توجهی ندارد و سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس نیز عدالت را در توزیع اعتبارات رعایت نمی‌کند.

بنا به آخرین گزارش یونسکو، در جهان ۶۰۰۰ زبان وجود دارند؛ که نود درصد از مردم به ۳۰۰ زبان و بقیه به ۵۷۰۰ زبان دیگر سخن می‌گویند؛ که سهم ایران در این میان ۷۴ زبان می‌باشد. ۱۲

متأسفانه با گذشت زمان از تعداد این زبان‌ها کاسته می‌شود و تعداد زیادی از آن‌ها در معرض خطر و نابودی قرار دارند. «خطر، زبان‌هایی را که از پشتوانه تاریخی، متن مکتوب (علمی)، غنای واژگان و کثرت گویشور و حمایت سیاسی برخوردار نیستند، تهدید می‌کند.» (۱۳ یکی از زبان‌های اصیل و ریشه‌دار ایرانی که به علت قَلتِ گویشوران و عدم حمایت سیاسی در معرض خطر است، زبان هم‌رامی است.

حقوق زبانی و مطالبات گروه‌های زبانی را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

۱ - حق صحبت کردن به زبان مادری در روابط خصوصی بین اعضای گروه؛

۲ - حق استفاده از زبان مادری در عرصه عمومی و نهادهای اداری؛

۳ - حق آموزش و یادگیری زبان مادری؛

۴ - حق برخورداری از رسانه‌ها به زبان مادری. ۱۴

نکته قابل توجه این است که «مسئله مهم در آموزش زبان مادری، انتقال آن به نسل‌های آینده و جلوگیری از انحطاط و زوال آن است. این انتقال صرفاً به واسطه گفتار نمی‌تواند صورت بگیرد؛ بلکه نیازمند نوشتار نیز هست. آموزش گفتار و نوشتار به زبان مادری در منزل ممکن نیست؛ بلکه ضرورتاً باید در مدرسه و با توسل به ادبیات و کتاب‌های عمومی تدوین شده از جانب متخصصین این حوزه صورت گیرد.» ۱۵

به اعتقاد بسیاری از کارشناسان حقوق بین‌الملل و مسائل آموزشی و زبانی «سال‌های اولیه‌ی آموزش دارای اهمیت بنیادین در آموزش کودک می‌باشد. تحقیقات آموزشی نشان می‌دهد که آموزش در کودکان و دوره‌های پیش‌دبستانی و ابتدائی می‌بایست به زبان مادری کودک باشد. بخش مهمی از تحصیلات مقطع متوسطه نیز باید به زبان اقلیت باشد؛ اما در این دوره لازم است که آموزش به زبان رسمی گسترش یابد. در این راستا دولت بایستی معلمان دارای تخصص لازم را آموزش دهد؛ همچنین لازم است که امکان تدریس در دانشگاه به زبان گروه اقلیت نیز فراهم گردد.» ۱۶

طی یک قرن گذشته، سه فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی ایجاد شده و فارغ از این‌که همکاران جزء این فرهنگستان‌ها به‌ماهیت کار خود واقف بودند یا نه، هدف و کار فرهنگستان‌های فارسی، ژنوسید فرهنگی غیرفارسی‌ها بوده است.

هدف اعلان شده فرهنگستان اول به‌سرپرستی محمد علی فروغی، پاک کردن زبان مردم ایران از لغات ترکی و عربی بوده است. آن فرهنگستان حدود شش هزار لغت جدید را جایگزین لغات ترکی و عربی متداول در زبان مردم نمود که نیمی از آن‌ها دوام پیدا کردند. فروغی به‌توصیه هم‌فکر خود «محمود افشار یزدی» عمل می‌کرد که در مجله آینده می‌نوشت: «تمام آثار حکومت هزار ساله ترکان بر ایران باید از زیان و تاریخ ایران پاک شود.» ۱۷

فرهنگستان دوم به‌سرپرستی نائل خانلری کار فروغی را ادامه داد و به‌علت نبود لغات جایگزین مجبور شد لغت جعل کند که لغات بی‌مسمای «بَنگاه» و «ترابری» از جمله اختراعات اوست. خانلری برای زبان فارسی دستور زبان نوشت و در دوره او اصطلاحات نظامی که عموماً ترکی بودند با لغات جدید تعویض شدند که «روایک» به‌جای «گلن گندن» نمونه‌ای از آن‌هاست. ۱۸

فرهنگستان سوم به‌سرپرستی حداد عادل که از سران حکومت اسلامی ایران است. وقتی او ادعا می‌کند که با تهاجم فرهنگی غرب مبارزه می‌کند آشکارا ضد مدرنیته بودن خود را نشان می‌دهد. با بودجه عظیمی که او در اختیار دارد، کارش تولید لغات و اصطلاحات مانند «رایانه» و «بالگرد» و غیره که زیر نظر او کشف شده‌اند. به‌همین جهت حتی کسانی که او را به آن مقام منسوب کرده‌اند از کارش راضی نیستند. اگر فروغی و خانلری لااقل افراد باسوادی بودند که می‌دانستند چه‌کار دارند می‌کنند در مقابل آنان حداد عادل تنها پشتوانه‌اش نسبت فامیلی سببی داشتن با بیت سیدعلی

خامنه‌ای است. مخالفت او با آموزش زبان‌های مادری تحت لوای دفاع از حریم زبان فارسی، محتوای نژادپرستانه دارد. ۱۹

فرهنگستان‌های فارسی با بودجه عمومی ایجاد شده و کارشان پاکسازی زبان فارسی از لغات ترکی و عربی متداول در زبان عامه مردم و از بین بردن زبان‌های دیگر بوده است. آیا از بودجه عمومی صد سال گذشته ایران، حتی یک ریال هم صرف پیشرفت زبان‌های غیر فارسی نشده است در حالی که گفته می‌شود میلیاردها برای پیشرفت زبان فارسی صرف شده است. اما در واقعیت هیچ پیشرفتی در زبان فارسی پدید نیامده است.

واقعیت این است که سلسله ترک قاجار منحل شده بود و قدرت‌های جهانی آن‌روز که نمی‌خواستند بار دیگر ترکان بر ایران مسلط بشوند به‌نابودی و انکار وجود ملل دیگر از جمله ترک‌ها در ایران پرداختند و لهجه تهرانی را به‌عنوان زبان فارسی رسمی نمودند. فارسی زبان ملی فارس‌ها بوده و هست و نه زبان ملی ترک‌ها، عرب‌ها، بلوچ‌ها، ترکمن‌ها، کردها و غیره.

حسن رشدیه اولین مدرسه مدرن به‌سبک مدارس اروپائی را در تبریز به‌زبان ترکی پایه‌گذاری کرد ولی مدرسه‌اش را آتش زدند. پان‌ایرانیست‌ها برای این‌که راحت بتوانند حقوق زبانی ملل غیرفارس در ایران را زیر پا بگذارند به‌تئوری‌های نژادپرستانه متوسل شدند و ادعا کردند که همه مردمانی که در گوشه و کنار ایران زندگی می‌کنند آریائی نژاد هستند و در اثر حمله اعراب و مغولان و ترکان زبان‌شان دگرگون شده است. با این جعل تاریخی گفتند که در ایران ترک و عرب نداریم. ۲۰

وقتی‌که «دولت - ملت» جدید در دوره رضا شاه ایجاد شد، با الهام از حکومت نازی‌ها در آلمان، پان‌ایرانیسم ایدئولوژی ایران نوین انتخاب گردید که آشکارا تنوع ملی، زبانی و فرهنگی ملل ساکن در ایران را انکار می‌کرد و هنوز هم انکار می‌گردد. پان‌ایرانیسم ایدئولوژی فاشیسم در ایران است و پایه‌های آن بر عرب‌ستیزی و ترک‌ستیزی استوار شده است. دست‌کم در یک قرن گذشته، حکومت‌های ایران و پان‌ایرانیست‌ها، مدعی‌اند که آزادی زبان‌های مادری باعث تجزیه ایران می‌شود دروغ محض است. چرا که ممنوعیت زبان مادری و سرکوب باعث خشم و جدائی مردم تحت ستم می‌شود نه آزادی، برابری و زندگی مسالمت‌آمیز مردمان یک کشور و آزادی زبان‌های مادری.

در واقع سیاست‌های دمکراتیک در کشورهای که چند زبانی را به رسمیت شناخته‌اند موجب شده چالش امنیتی جدائی‌طلبی در این کشورها به‌چالشی سیاسی تبدیل شود و احزاب استقلال‌طلب با وجود آزادی فعالیت مسالمت‌آمیز چندان در جلب رای و نظر مردم موفق نباشند. برای مثال کانادا، بلژیک و اسپانیا. ایران بر اساس شاخص تنوع زبانی با داشتن دست‌کم شش زبان متمایز، گرایشات استقلال‌طلب و جدائی‌طلب بسیار ضعیف است.

زبان مادری منتقل‌کننده وجوه بارز فرهنگی است که به برداشت‌های خاص کودک از جهان شکل می‌بخشد و موجب تفاوت در رفتار فردی او، الگوهای یادگیری و سبک فکری او خواهد شد.

در این معنا میزان موفقیت یک دانش‌آموز در فعالیت‌های آموزشی جدای از جنبه‌های فردی تابعی از فرهنگ اجتماعی او است که در پیوند با زبان مادری شکل می‌گیرد.

علاوه بر این دشواری فهم زبان آموزش موجب وابستگی هر چه بیش‌تر کودک به زبان شفاهی خواهد شد و امکان موفقیت او را در نظام آموزشی تحت تأثیر قرار خواهد داد.

در مواد هشتادوشش و نود و هفت پیمان ورسای و در معاهداتی که کمیسیون دولت‌های نوین در آن زمان تهیه کرد، در ماده پنجم کنوانسیون عدم تبعیض در آموزش، در ماده بیست و هفت میثاق حقوق مدنی و سیاسی بشر و در اعلامیه

جهانی حقوق زبانی به‌طور مفصل بر حقوق زبانی جمعیت‌های انسانی و آزادی کاربرد زبان مادری در آموزش، نهادهای عمومی و فضاها و مناسبات رسمی تأکید شده است.

برابر با کنوانسیون ممنوعیت و مجازات نسل‌کشی، ژنوساید شامل هر عمل عمدی است که با هدف نابودی زبان، دین یا فرهنگ یک ملت، گروه نژادی یا مذهبی به‌خاطر ملیت، دین یا عقاید مذهبی اعضای آن صورت می‌گیرد.

تعداد واقعی و یا حداقل نزدیک به‌واقعیت ترکیب جمعیتی ایران در دست نیست. بنابراین برای به دست آوردن این آمار توجه به منابع داخلی یک فاکت مهم است. یک آمار قابل اتکا، آمار وزارت آموزش و پرورش است. این وزارت‌خانه که متولی اصلی آموزش زبان فارسی به دانش‌آموزان سراسر است لابد آماری هم از دانش‌آموزان غیرفارسی زبان که در سیستم این وزارت‌خانه به آن‌ها دانش‌آموز «دو زبانه» گفته می‌شود دارد.

خبرگزاری حکومتی فارس نوشته است:

«توجه به مناطق چندزبانه در شورای عالی آموزش و پرورش تصویب شد وزیر آموزش و پرورش وقت افزود: صبح امروز در جلسه شورای عالی آموزش و پرورش با حضور رئیس‌جمهور تبدیل آموزش و پرورش کشور به دو دوره ۶ ساله ابتدائی و ۶ ساله دوم و حذف دوره راهنمایی از نظام آموزشی به تصویب رسید؛ توجه به مناطق محروم و چند زبانه برای ایجاد عدالت آموزشی نیز یکی دیگر از مصوبات امروز شورای عالی آموزش و پرورش بود. وی ادامه داد: ۷۰ درصد دانش‌آموزان در سراسر کشور دو زبانه بوده و پس از ورود به کلاس اول و گذراندن یک سال تحصیلی هنوز زبان مادری آن‌ها به فارسی تبدیل نشده است؛ این‌گونه دانش‌آموزان چگونه می‌توانند با دانش‌آموزانی که در تهران تحصیل می‌کنند رقابت کنند.

حاجی‌بابائی، اظهار داشت: دانش‌آموزی که در کلاس اول با این افت تحصیلی مواجه شود تا آخر نیز نمی‌تواند موفق باشد. از این خبر می‌توان نتیجه گرفت که تنها ۳۰ درصد دانش‌آموزان ایرانی و به تبع آن ۳۰ درصد جمعیت کشور فارس هستند و بقیه به سایر جمعیت‌های زبانی تعلق دارند. یعنی ۲۲ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر فارس و ۵۲ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر دیگر غیرفارس هستند. ۲۰

تا اینجا می‌دانیم که طبق سرشماری سال ۱۳۸۸، جمعیت غیرفارس ایران حدود ۵۲ میلیون و ۵۰۰ هزار نفرند و ترک‌ها هم جزئی از این تعداد هستند.

علی اکبر صالحی وزیر امور خارجه وقت حکومت اسلامی ایران برای دیدار و مذاکره رسمی با مقامات ترکیه‌ای وارد آنکارا شد؛ صالحی پس از ورودش به ترکیه در فرودگاه اسن بوغا به سؤالات خبرنگاران پاسخ داد. در پاسخ به یکی از سؤالات صالحی با احتمال نزدیک به یقین محل مذاکرات هسته‌ای ایران با غرب را ترکیه و شهر استانبول معرفی کرد و... صالحی در ادامه از برادری ملل ترکیه و ایران سخنانی را بیان کرده و خواستار گسترش روابط مابین ترکیه و ایران شد.

به‌نظر صالحی پیوندهای تاریخی و فرهنگی ترکیه و ایران می‌تواند یکی از علل نزدیکی ملل ترکیه و ایران شود. صالحی در ادامه افزود:

«ما کم و بیش زبان مشترکی داریم، بیش از ۴۰ درصد مردمان ایران به زبان ترکی صحبت می‌کنند و این می‌تواند نکته بسیار مثبتی در روابط ترکیه ایران تلقی شود. ۲۱

با اظهارات علی اکبر صالحی وزیر امور خارجه سابق و معاون فعلی رئیس‌جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی، آمار ترک‌های ایران بیش از ۴۰ درصد یعنی بیش از ۳۰ میلیون نفر است.

بنابر این نقض حقوق زبانی خلق‌های غیرفارس در ایران، نقض حقوق اکثریت شهروندان ایران است. هویت خاص این خلق‌ها را با چالش‌های جدی مواجه ساخته و تأثیرات مخربی نیز بر همگرایی و همزیستی مسالمت‌آمیز و داوطلبانه خلق‌های به جا گذاشته است. حتی ممنوعیت زبان مادری یک اقلیت کوچک نیز جنایت است.

تداوم سیاست تک زبانی فعلی و سرکوب هرگونه ندای آزادی‌خواهی، برابری‌طلبی و آزادی زبان‌های مادری، بر خلاف اهداف و سیاست‌های حاکمیت و مدافعان آن در نهایت نه به تداوم وحدت انسانی، بلکه به تضادهای هویتی و چالش سیاسی بیش‌تر در ایران خواهد انجامید. از این‌رو، تدوین و اجرای قوانینی که سیستم آموزشی را چند زبانه کند و به کاربرد زبان‌های غیرفارسی در کشور رسمیت ببخشد جدای از این‌که یک ضرورت اخلاقی و حقوق انسانی است یک انتخاب ناگزیر سیاسی نیز هست.

همچنین «بر اساس آمار منتشرشده توسط مرکز پژوهش‌های مجلس، با استناد به سرشماری سال ۱۳۸۵، بیش از ۳/۲ میلیون کودک ۶ تا ۱۷ ساله بازمانده از تحصیل در کشور وجود دارد که یا اصلاً به مدرسه نرفته‌اند یا در طول سال‌های تحصیل به دلایل مختلف از تحصیل بازمانده‌اند در خصوص «کودکان ایرانی محروم از تحصیل» آمارهای متفاوتی ارائه می‌شود.»

«در کشور ما سیستم آموزشی، جذابیتی برای بسیاری از دانش‌آموزان ندارد. برنامه‌های آموزشی کشور ما با روحیه کودکان سازگار نیست. محفوظات فراوان، مشق و تمرین و تکرار موضوعاتی که ارتباطی با زندگی و علایق دانش‌آموزان ندارد، کودکان را از درس و مدرسه بیزار می‌کند. همین امر منجر به افت تحصیلی و مردودی و سرانجام خروج دانش‌آموز از چرخه آموزشی می‌شود. بخش دیگر افراد بازمانده از تحصیل مربوط به مناطق دوزبانه کشور است. این کودکان به دلیل این‌که زبان مادری آن‌ها متفاوت با زبان آموزشی است، نمی‌توانند خود را با سیستم آموزشی رسمی تطبیق دهند و در همان سال اول دچار افت تحصیلی می‌شوند. آمار مردودی پایه اول در میان کودکان مناطق قومی بالاتر است بنابر اصل ۱۵ قانون اساسی آموزش زبان مادری در کنار زبان فارسی در این مدارس الزامی است.» ۲۲

بنا به عقیده برخی کارشناسان، محرومیت از تحصیل به زبان مادری پیامدهای فرهنگی، روانشناسی و اجتماعی ناگواری در پی دارد. در بعضی موارد و در شرایط حاد پیامدهای ممنوعیت زبان مادری، منجر اختلافات سیاسی و عقیدتی و حتا جنگ و خونریزی می‌شود.

آموزشی که به زبان مادری دانش‌آموز فراهم نمی‌آید، او را در معرض بسیاری از آسیب‌های تحصیلی و اجتماعی قرار می‌دهد. از سوی دیگر، حکومت‌هایی که حق آموختن به زبان مادری را ممنوع کرده‌اند، به‌طور آشکار فرصت نابرابر آموزشی هم فراهم می‌آورند. در واقع، بین شهروندان تبعیض قائل می‌شوند. تاکنون در ایران، هیچ حکومتی به رفع این تبعیض و نابرابری آموزشی توجه نشان نداده است.

کودکان با محروم ماندن از یادگیری زبان مادری، زبان دل و ذهن‌شان دچار بحران می‌گردد به‌طوری که پس از پایان تحصیلات مدرسه‌ای یا دانشگاهی که وارد تجربه واقعی زندگی اجتماعی می‌شوند با کاستی حاصل از زبان مادری روبه‌رو می‌شوند.

ممنوعیت زبان مادری سبب شده است که سطح آموزش و پرورش و تحصیل در مناطقی چون آذربایجان، کردستان، ترکمن صحرا، بلوچستان، خوزستان و... افت شدیدی پیدا کند. چون که سیاست تبعیض و سرکوب و سانسور بر سیستم آموزشی ایران حاکم است. ممنوعیت و تحقیر زبان مادری همچنین سبب شده است که میلیون‌ها کودک و جوان از تحصیل محروم بمانند. هنگامی که زبان به‌عنوان وسیله و ابزار ارتباط، شناخت و آگاهی دچار اختلال می‌شود حتی در

فرد مشکلات شخصیتی ایجاد می‌کند. در کشوری که ساکنان آن با تنوع زبانی در آن زندگی مشترک دارند، نیاز به شناخت همدیگر دارند که اولین شرط آن نیز تسلط به زبان مادری است. عموماً تبعیض و نابرابری و سرکوب باعث از هم پاشیدن شیرازه جامعه می‌شود.

آزادی «زبان مادری» در ایران و هر جامعه دیگری باعث رشد فرهنگی و اجتماعی سراسر کشور می‌گردد و از کمشکس‌های ملی و ناسیونالیستی و شوونیستی نیز جلوگیری می‌کند. در عین حال همه شهروندان کشور، در کنار بهره‌گیری از زبان مادری خود، یک زبان دیگری را هم به‌عنوان زبان سراسری «فارسی» یاد می‌گیرند. در چنین شرایطی، بر خلاف سیاست‌های نابرابری و تحقیرآمیز حکومت‌های سرکوب و سانسور و اختناق دایمی، اما همبستگی انسانی بین «ملیت»‌های مختلف کشور، عمیق‌تر و همه‌جانبه‌تر می‌گردد. چون که به‌راحتی همدیگر را درک می‌کنند و به‌سادگی به تبادل فکری و نظری می‌پردازند.

حق تحصیل به زبان مادری یک حق ابتدائی و مسلم هر انسانی است در حالی که حکومت اسلامی ایران، اکثریت مردم ایران را از این حق ابتدائی محروم کرده است.

در گزارش سال ۱۳۹۲ «مرکز پژوهش‌های مجلس حکومت اسلامی ایران»، آمده است که در ۶ سال اخیر نزدیک به ۵ میلیون نفر از دانش‌آموزان مردود شده‌اند. کارشناسان تأیید می‌کنند، بیش‌ترین میزان مردودی‌ها در مناطقی است که زبان مادری در آن‌جاها غیرفارسی است. ۲۳

شیرزاد عبدالمهی، کارشناس مسائل آموزش و پرورش با اشاره به میزان بالای مردودی‌ها در مناطق مختلف کشور، در همین سال به سایت «خبر آنلاین»، گفته است: «کودکانی که در این مناطق به مدرسه می‌روند به دلیل عدم آشنائی به زبان فارسی و مواجه با آن، دچار شوک وحشتناکی می‌شوند و خود را نمی‌توانند تطبیق دهند.» ۲۴

در این میان، سهم دختران بیش‌تر از پسران است. علت‌اش هم آن است که دسترسی پسران به آموزش از دختران بیش‌تر است. علاوه بر حساسیت‌های خانواده‌های متعصب در رابطه با تحصیل دختران، متأسفانه خانواده‌های فقیر و کم‌درآمد هم برای ادامه تحصیل بیش از دختران به تحصیل پسران اهمیت بیش‌تری می‌دهند. با افزایش خط فقر و رفتن جمعیت بیش‌تری زیر خط فقر، تعداد کودکانی که از تحصیل خارج می‌شوند بیش‌تر می‌شود. بنابراین، رابطه مستقیمی بین فقر و تعداد کودکان بازمانده از تحصیل وجود دارد و دولت نیز در رفع این مسأله وظیفه خود را انجام نمی‌دهد.

وظیفه دولت و آموزش و پرورش این است که بدون توجه به موقعیت خانوادگی و والدین، آموزش را در دسترس کودکان و خانواده‌ها قرار بدهد. ولی متأسفانه در ایران چنین نیست و هر سال کودکان بیش‌تری قربانی سیاست‌های تبعیض‌آمیز دولت و فقر شده و از ادامه تحصیل باز می‌مانند.

در بسیاری از کشورهای دو یا چند زبانه، یادگیری زبان‌ها به‌صورت طبیعی انجام می‌گیرد و جزو امتیازات مردمانی است که در آن‌جا زندگی می‌کنند. در این کشورها فرهنگ‌ها و زبان‌ها عامل تهدید نیستند، بلکه به‌عنوان یک ارزش و گوهر گران‌بهای معنوی به آن‌ها ارج گذاشته می‌شود.

در چنین شرایطی، رسانه‌ها، نهادها، احزاب و دیگر تشکلهای منطقه‌ای نیز از آزادی برخوردار می‌گردند و نویسندگان و شعرا کتاب‌ها خود را به زبان مادری و هم زبان سراسری منتشر می‌کنند که گلستانی از زبان‌ها به‌وجود می‌آید و گام زدن در آن، برای هر انسانی دل‌پذیرتر می‌گردد.

شوونیست‌ها و حکومت‌های دیکتاتوری ریاکارانه آموزش به زبان مادری را برابر با «تجزیه‌طلبی» می‌دانند. در حالی که چنین چیزی واقعیت نداشته و در بسیاری از کشورهای جهان، شهروندان به زبان‌ها و گویش‌های گوناگونی صحبت می‌کنند بدون این که بحث و جدل و کمشکشی با همدیگر داشته باشند و یا به فکر جدائی بیفتند.

دولت‌ها و جریان‌ات و کسانی که با زبان مادری انسان‌ها مخالفت می‌ورزند در واقع حرمت انسان را زیر پا می‌گذارند و نسل‌هائی را به‌سوی تباہی سوق می‌دهند. آموزش و تحصیل و سخن گفتن به زبان مادری حق مسلم تمام شهروندان یک کشور است.

حکومت اسلامی ایران، چهل است اکثریت مردم ایران را از زبان مادری‌شان محروم کرده است. از این‌رو، ضروری است که فعالین آزادی‌خواه و برابری‌طلب سیاسی، اجتماعی و فرهنگی سراسر کشور، جدا از این که زبان مادری‌شان کرد، فارس، ترک، عرب، بلوچ و غیره است، هر چه بیش‌تر در جهت رفع ممنوعیت زبان مادری و همچنین افشای سیاست‌های فاشیستی و نابرابر حکومت اسلامی تلاش کنند. این مبارزه نه مبارزه‌ای بین مردم فارس زبان با مردم غیرفارس زبان نیست، بلکه مبارزه‌ای متحد و مشترک بر علیه حکومت فاشیستی و تروریستی اسلامی است. مسلماً، کم توجهی و یا مخالفت با آزادی زبان مادری، در آینده عواقب وخیمی را برای کل جامعه ایران در پی خواهد داشت.

در جمع‌بندی بار دیگر تأکید کنم که مشکل زبان در ایران، مشکل مردمان فارس و غیرفارس نیست، بلکه یک مشکل سیاسی در سیستم حاکم است. بنابراین، حل آن نیز منوط به‌تصمیم سیاسی با تغییر حاکمیت موجود و شکل دادن به جامعه نوینی است که نگاه آن به مقوله آزادی، برابری، عدالت اجتماعی و صد البته آزادی زبان‌های مادری، نگاهی پایه‌ای و اساسی باشد. جامعه‌ای که در آن همه شهروندان کشور بدون توجه به ملیت، جنسیت، باورهای سیاسی و عقاید مذهبی از حقوق یکسان و برابری برخوردار می‌گردند و آزادی بیان و اندیشه و حقوق فردی و جمعی و زبان مادری همه شهروندان تضمین می‌گردد. جامعه‌ای که همه انسان‌ها در فضائی آزاد و برابر و داوطلبانه و آگاهانه در کنار هم در صلح و صفا زندگی می‌کنند و خود را در غم و شادی همدیگر سهیم می‌دانند.

مهم‌تر از همه، اگر فلسفه سیاسی «دولت-ملت» آگاهانه و عامدانه کنار گذاشته شود و جامعه با سیستم شورائی و خودمدیریتی و دموکراسی مستقیم اداره شود و قدرت در دست ارگانی به‌نام دولت و حاکمیت متمرکز نگردد در این روند، روشن است که جایی برای گرایش‌ات جدائی‌طلبانه باقی نمی‌ماند. در نتیجه همه شهروندان سراسر ایران هم از حقوق برابر و یکسان انسانی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خود برخوردار می‌گردند و به‌طور مسالمت‌آمیز و داوطلبانه در کنار هم زندگی می‌کنند. در چنین جامعه‌ای هر کس هم آزاد است که در کدام منطقه کشور زندگی و کار کند و یا به چه زبانی آموزش ببیند.

بی‌تردید آزادی «زبان مادری» در ایران و هر جامعه دیگری باعث رشد فرهنگی و اجتماعی سراسر کشور می‌گردد و از کشمکش‌های ملی و ناسیونالیستی و شوونیستی نیز جلوگیری می‌کند. در عین حال همه شهروندان کشور، در کنار استفاده از زبان مادری خود، یک زبان دیگری را هم به‌عنوان زبان سراسری «فارسی» یاد می‌گیرند. در چنین شرایطی، بر خلاف سیاست‌های نابرابر و تحقیرآمیز دولت‌های سرکوبگر، همبستگی انسانی بین «ملیت»‌های مختلف کشور، عمیق‌تر و صمیمی‌تر می‌گردد. چون که همدیگر را در فضائی آزاد و برابر درک می‌کنند و به‌سادگی به‌تبادل فکری و نظری می‌پردازند.

در واقع دانش‌آموز نخست در دوره تحصیل ابتدائی فقط به زبان مادری آموزش می‌بیند. اما سپس در عین حالی که به زبان مادری به تحصیل خود ادامه می‌دهد زبان سراسری کشور نیز به آن اضافه می‌گردد. و در دوره دبیرستان و دانشگاه و آموزش عالی، علاوه بر زبان مادری، زبان فارسی نیز به‌عنوان زبان سراسری کشور، آموزش داده می‌شود. این روش، نه تنها علمی است، بلکه انسانی، آزادی‌خواهانه و برابری‌طلبانه نیز است و مهم‌تر از همه، هر چه بیش‌تر به همبستگی انسانی یاری می‌رساند.

منابع:

- ۱- خبرگزاری دانشجویان ایران «ایسنا»، ۲۲ مهر ۱۳۹۱
- ۲- روزنامه همشهری، سه‌شنبه ۲۷ بهمن ۱۳۸۸
- ۳- متن کامل اعلامیه جهانی حقوق بشر
- ۴- مقدس جعفری، محمدتقی، ۱۳۸۳، بررسی آراء فلسفی تربیتی کمنیوس، رساله دکتری، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه تهران
- ۵- اصول یادگیری و آموزش زبان، کتاب درسی در زمینه فراگیری زبان دوم، مولف: اچ. داگلاس براون؛ مترجم و گزارشگر: دکتر ابراهیم چگنی
- ۶- هنری سویت، تاریخ زبان، مترجم: کورش صفوی
- ۷- سازمان یونسکو در جلسه ۳۰ نشست عمومی خود در سال ۱۹۹۹؛ روز ۲۱ فوریه را به‌عنوان زبان مادری نام‌گذاری نمود
- ۸- سیاحت‌نامه‌های اروپائیان، این سیاحت‌نامه‌ها از نگاه زبان مردم در دوره صفوی شمرده می‌شد:
- نصیری، م. و ع.: فرهنگ نصیری ترکی جغتائی، رومی، قزلباشی، روسی و قلماقی به فارسی، مترجم و حواشی: حسن جوادی و ویلم فلور، تهران ۱۳۹۳، ص ۲۵-۱۴
- اولیا جلی: ستایش تبریز دلاویز، از: سیاحت‌نامه، چاپ اول، جلد دوم، اقدام مطبعه سی استانبول ۱۳۱۴ هجری قمری، ص ۲۷۷-۲۴۰
- ۹- روزنامه آذربایجان، شماره ۶ مورخه ۱۳۲۰/۰۸/۲۸ از مقاله «آذربایجان» به‌قلم حسن لطفی
- ۱۰- گذشته چراغ راه آینده است، صص ۱۴۰-۱۳۶، نویسنده ن. جامی، تاریخ معاصر ایران در فاصله کودتای ۳ اسفند ۱۲۹۹ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲
- ۱۱- در روز یکشنبه ۲۲ مهر سال ۱۳۹۷ خبرگزاری حکومتی «تسنیم»، گزارشی مستند تحت عنوان «سیستان و بلوچستان رکورددار بازماندگان از تحصیل کشور»
- ۱۲- پایان تک‌زبانی، اصغر زارع کهنمویی، نشر موعام، چاپ اول ۱۳۹۴، گفت‌وگو با دکتر محرم آقازاده، صفحه ۱۰۵ و ۱۰۹
- ۱۳- گفتارهایی درباره زبان و هویت، حسین گودرزی، انتشارات تمدن ایرانی، چاپ اول ۱۳۸۴، صفحه ۱۵۰
- ۱۴- حمایت از اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل، دکتر ستار عزیزی، ناشر نورعلم، چاپ اول ۱۳۸۵، صفحه ۲۸۶-۲۸۵
- ۱۵- پایان تک‌زبانی، اصغر زارع کهنمویی، نشر موعام، چاپ اول ۱۳۹۴، گفت‌وگو با دکتر فرامرز تقی‌لو، صفحه ۱۶۴
- ۱۶- مراجعه کنید به متن مشروح گزارش «بررسی وضعیت پوشش تحصیلی و ریشه کن کردن بی‌سوادی در کشور» که در سایت مرکز پژوهش‌های مجلس و در آدرس اینترنتی زیر قابل مشاهده است:
<http://rc.majlis.ir/fa/report/show/۸۰۰۸۳۹>
- ۱۷- نخستین جلسه فرهنگستان روز دوشنبه ۱۲ خرداد ۱۳۱۴ در عمارت سابق دانشکده حقوق به ریاست محمدعلی فروغی (نکاءالملک) نخست‌وزیر وقت تشکیل شد و تا شهریور ۱۳۲۰ به‌مدت شش سال به‌فعالیت پرداخت.

کتاب نخستین فرهنگستان ایران از جواد مهدویان، روایتی مستند از چگونگی شکل گیری این تشکیلات می‌باشد.

۱۸- در پنجم مردادماه سال ۱۳۴۷ فرمان تأسیس فرهنگستان دوم زبان ایران صادر شد. در اجرای این فرمان، فرهنگستان نخستین جلسه شورای خود را در ساعت ده بامداد روز شنبه ۱۳۴۹/۰۸/۲۳، با حضور وزیر فرهنگ و هنر و ده نفر اعضای پیوسته (ذبیح بهروز، محمود حسابی، صادق رضازاده شفق، جمال رضائی، سپهبد علی کریملو، صادق کیا، حسین گل گلاب، محمد مقدم، مصطفی مقربی و یحیی ماهیار نوابی) در محل وزارت فرهنگ و هنر تشکیل داد و متعاقباً در همان سال، کار خود را با سازمان تحقیقاتی کوچکی مرکب از چهار گروه پژوهشی بهنام‌های واژه‌گزینی، گردآوری واژه‌های فارسی، زبان‌های باستانی و میانه، و دستور آغاز کرد.

قریب هشت سال بعد، در ساعت هفت بعدازظهر روز سه‌شنبه ۱۳۵۷/۰۷/۰۸، همزمان با اوج گرفتن اعتصابات کارمندان و کارگران دستگاه‌های دولتی، فرهنگستان زبان صدوچهل و نهمین و آخرین نشست خود را پشت‌سر گذاشت. در این جلسه، علی افضلی‌پور، جمال رضائی، عیسی صدیق اعلم، صادق کیا، حسین گل گلاب، یحیی ماهیار نوابی، فرخ محمدزاده فرحان، شاپور مشعوف، محمد مقدم و مصطفی مقربی حضور داشتند.

۱۹- فرهنگستان زبان ایران، پس از پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ مردم ایران، مدتی کوتاه، با فعالیتی محدود و شیوه‌ای متفاوت، به‌کار خود ادامه داد و سپس، با پیوستن فرهنگستان ادب و هنر ایران به آن، فرهنگستان سوم زبان و ادب ایران تشکیل گردید که، سرانجام، در سال ۱۳۶۰، با ادغام یازده مرکز و سازمان تحقیقاتی، که فرهنگستان اخیر نیز جزو آن‌ها بود، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی پدید آمد.

فرهنگستان سوم که حالا غلامعلی حداد عادل آن را مدیریت می‌کند، بیش از ۸۵ سال است که در کار تولید واژه و برای والایش و پالایش زبان فارسی تلاش می‌کند اما در این راه، هنوز موفقیت چندانی نصیب زبان فارسی نشده است. در واقع دوره قاجار که ارتباط ایران با کشورهای اروپائی گسترش یافت، همراه با دانش و تکنولوژی اروپائی، واژه‌ها و اصطلاحات بسیاری ابتدا از زبان فرانسه و سپس از زبان انگلیسی وارد زبان فارسی شد. انجمن‌های ادبی دوره قاجار و سپس افراد و گروه‌های متعدد پیشگامان ساخت معادل‌های برای واژه‌های فرنگی شدند.

داریوش آشوری، در تحلیل فعالیت این فرهنگستان می‌نویسد: «فرهنگستان دوم در اوج دیکتاتوری محمدرضا شاه، در پایان دهه ۴۰ برپا شد. ریاست این فرهنگستان به‌عهده صادق کیا، استاد زبان پهلوی در دانشگاه و از شاگردان مکتب ذبیح بهروز بود. این مکتب دارای گرایش ناسیونالیستی تندرو یا به‌عبارت دیگر، ایران‌پرستانه بود. در نتیجه، سخت ضد عرب و عربی و هوادار فارسی سره بود. فرهنگستان دوم بر این بنیاد ایدئولوژیک سیاست پیرایش‌گری زبانی خود را دنبال می‌کرد. این فرهنگستان از نظر سازمانی از فرهنگستان یکم گسترده‌تر بود و چندین گروه در آن برای رشته‌هایی از علوم طبیعی و علوم اجتماعی و جز آن‌ها واژه‌گزینی و واژه‌سازی می‌کردند. البته دستور ریاست و شورای فرهنگستان این بود که همه واژه‌های برساخته می‌بایست از مایه فارسی یا در کل ایرانی‌تبار باشد.

آشوری درباره فرآورده‌های واژگانی فرهنگستان سوم، می‌گوید: ... البته این فرهنگستان هم که همیشه به‌دنبال «خودی» کردن واژه‌های «بیگانه» است، هنوز با یک دید فراگیر علمی نسبت به مسأله رابطه زبان ما و زبان‌های مدرن فاصله‌ای دراز دارد.

به این ترتیب، می‌توان گفت حکومت‌های پهلوی و حکومت اسلامی ایران، نه تنها هیچ تاج گلی به سر زبان فارسی نزده‌اند، بلکه زبان‌های مادری شهروندان ایرانی را نیز تخریب و ممنوع کرده‌اند.

۲۰- «هر آن که در پی علم و دانائی ست/ بداند که وقت صف آرائی است.» در پی مخالفت با صدای زنگ مدرسه که آن را به ناقوس کلیسا تشبیه کرده بودند، میرزا حسن تبریزی، معروف به رشیدیه، این بیت را سرود و در زمان شروع

کلاس‌ها از یکی از دانش‌آموزان می‌خواست آن را با صدای بلند بخواند. رشديه، مؤسس مدارس نوین در ایران، درست در سال تأسیس دارالفنون (۱۲۳۰) در تبریز به دنیا آمد. او فرزند ملاهادی از علمای بنام تبریز بود و برخلاف توصیه‌های اولیه پدر، مبنی بر خواندن درس طلبگی، تصمیم گرفت راهی استانبول و بیرون شود و در آنجا نظامات جدید و شیوه‌های نوین تدریس را بیاموزد.

۲۱- خبرگزاری فارس، تاریخ ۱۳۸۸/۰۹/۲۳،

۲۲- منبع خبر: آژانس رسمی خبری دوغان ترکیه، ۲۰۱۲/۰۱/۱۸،

۲۳- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

۲۴- گزارش سال ۱۳۹۲ «مرکز پژوهش‌های مجلس حکومت اسلامی ایران».